



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت  
علیهما الصلوة  
والتسلیمة

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

البرقعة



## غدير، محور وحدت اسلامی

علی اصغر دشتوائی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# غدیر محور وحدت اسلامی

نویسنده:

علی اصغر رضوانی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	غدیر محور وحدت اسلامی
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه ناشر
۷	پیشگفتار
۸	انسجام تکوینی در صدر اسلام
۸	وصیت پیامبران به پیروی از جانشین به حق
۸	وحدت حقیقی بر محور امام معصوم علیه السلام
۸	اشاره
۱۰	اشکال
۱۰	پاسخ
۱۰	سنت الهی در امتحان امتهای
۱۰	توضیح
۱۰	۱ - امتحان ملائکه و شیطان با خلقت حضرت آدم علیه السلام
۱۱	۲ - امتحان اُمت اسلامی در وحدت بر مسأله امامت
۱۲	ایمان همراه با ولایت
۱۲	احتیاج به امام ناطق
۱۲	وظیفه ما در بیان حقایق
۱۳	علم پیامبر صلی الله علیه وآله به اختلاف امت اسلامی
۱۳	توجیه کلام هارون علیه السلام
۱۳	اشاره
۱۴	پاسخ
۱۴	رجوع به خدا و رسول هنگام اختلاف در جانشین پیامبر صلی الله علیه وآله

- ۱۴ ..... ضرورت بیان حقایق
- ۱۵ ..... حرمت کتمان حقایق
- ۱۵ ..... امام علی علیه السلام و دعوت به اهل بیت علیهم السلام
- ۱۶ ..... غدیر محور انسجام حقیقی
- ۱۸ ..... طرح غدیر در راستای انسجام اسلامی
- ۲۰ ..... غدیر از دیدگاه برخی از اهل سنت
- ۲۰ ..... توضیح
- ۲۰ ..... ۱ - محمد بن محمد غزالی
- ۲۱ ..... ۲ - محمد بن طلحه شافعی
- ۲۱ ..... ۳ - سبط بن جوزی
- ۲۱ ..... ۴ - محمد بن یوسف گنجی شافعی
- ۲۱ ..... ۵ - سعیدالدین فرغانی
- ۲۲ ..... ۶ - تقی الدین مقریزی
- ۲۲ ..... ۷ - سعدالدین تفتازانی
- ۲۲ ..... برخی از شاعران غدیر از اهل سنت
- ۲۲ ..... اشاره
- ۲۲ ..... ۱ - فرید الدین عطار نیشابوری (۵۱۳ - ۵۸۶ ق)
- ۲۳ ..... ۲ - سنایی غزنوی
- ۲۳ ..... ۳ - جلال الدین مولوی
- ۲۴ ..... پیام‌های غدیر به جامعه اسلامی
- ۲۵ ..... پی نوشت ها
- ۲۶ ..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## غدیر محور وحدت اسلامی

### مشخصات کتاب

سرشناسه: رضوانی علی اصغر، ۱۳۴۱ عنوان و نام پدیدآور: غدیر محور وحدت اسلامی / تألیف علی اصغر رضوانی. مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۷. مشخصات ظاهری: ۶۴ص. فروست: سلسله مباحث یادمان غدیر. شابک: ۶۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۱۸۲-۷؛ ۶۰۰۰ ریال (چاپ دوم) یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۸۹. یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس. موضوع: غدیر خم موضوع: وحدت اسلامی شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم) رده بندی کنگره: BP۲۲۳/۵/۴۳ غ ۴۳ ۱۳۸۷ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۵۲ شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۲۰۹۴۶

### مقدمه ناشر

غدیر محور همبستگی اسلامی و زیربنای تفکر شیعی است. غدیر تبیین کننده جریان اصیل وصایت رسول مکرّم اسلام صلی الله علیه وآله می باشد که اسلام راستین را تداوم بخشید و زلال معرفت، ولایت، تسلیم و رضا را در جان مؤمنین جاری و حیات ثمربخش را به آنان هدیه نمود. غدیر در طول تاریخ مورد بی مهری هایی از طرف دوستان و مورد تهاجم از طرف دشمنان دین قرار گرفت ولی با عنایت و تدبیر پیروان واقعی غدیر حفظ و فرهنگ شد. هم اکنون که در نظام مقدّس جمهوری اسلامی همّت مسؤولان و مردم متدین ایران اسلامی بر غدیری شدن تمامی این سرزمین اسلامی است، بر آن شدیم مجموعه پیش روی که توسط استاد ارجمند حاج علی اصغر رضوانی تألیف گردیده را به زیور طبع بیاراییم. امید است مورد قبول حضرت حقّ و توجّه مولایمان حضرت حجّت «عجل الله تعالی فرجه الشریف» قرار گیرد. لازم است از عنایات ویژه تولیت محترم حضرت آیت الله وافی و دیگر عزیزان همکار در مجموعه انتشارات برادران دیلمی، امیر سعید سعیدی، آشتی، بخشایش، تلاشان و ... در به ثمر رسیدن این مجموعه فعالیت نموده اند، کمال تشکر و امتنان را داریم و ان شاء الله خوانندگان گرامی ما را از نظرات ارشادی خود محروم نفرمایند. مدیر مسوؤل انتشارات مسجد مقدّس جمکران حسین احمدی

### پیشگفتار

برخی سؤال می کنند: چرا بعد از وفات رسول خدا صلی الله علیه وآله در بین مسلمانان اختلاف پدید آمد و در طول تاریخ این اختلاف ادامه پیدا کرد و هم اکنون نیز این اختلاف را مشاهده می کنیم؟ آیا این، ناشی از نقص در دین اسلام و تعلیمات آن است که نتوانسته مسلمانان و پیروان خود را بر یک اصل و حقیقت جمع نماید؟ یا این که دین اسلام در این جهت ناقص نبوده بلکه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله - العیاذ بالله - در این مسأله کوتاهی کرده است؟ و یا این که از این دو جهت هیچ نقص و کوتاهی وجود ندارد بلکه مشکل در مسلمانان است که به دستورات اسلام و پیامبرش گوش فرا ندادند و لذا به مصیبت تفرقه و تشتت گرفتار شدند، مصیبتی که باعث شد تا از این طریق دشمنان اسلام بر آنان غلبه کرده و آبرو و حیثیت و منافع آنان را به غارت برند؟! ما معتقدیم که اسلام دین کامل و جامع بوده در طرح هایی که باعث عزت مسلمین و صلاح آنان است هیچ کوتاهی نداشته است. و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نیز در این راستا به وظیفه خود عمل کرده و هیچ کوتاهی نداشته است، تنها مشکل از ناحیه مسلمانان و دشمنان آنان است. اختلاف امری طبیعی به نظر می رسد ولی آنچه مهم است این که برای حلّ آن و عدم منازعه و خصومت به نحوی که دشمن سوء استفاده نکند چه باید کرد. آری، برخی از مسائل است که منشأ اختلاف در جامعه اسلامی می باشد و لذا

خداوند متعال مردم جامعه را از این طریق امتحان خواهد کرد. در چنین فضایی که دشمنان برای نابودی و ضربه زدن به اسلام نقشه‌های خطرناکی کشیده که عمده آن‌ها اختلاف و نزاع بین مذاهب و فرقه‌های اسلامی است جا دارد که راه کارهای اسلام را برای رسیدن امت اسلامی به وحدت حقیقی تبیین نماییم تا هم بتوانیم مردم را از جامعیت اسلام که در این زمینه نیز دستور جامع و کامل دارد مطلع ساخته و نیز راه حلی برای یک‌پارچگی و انسجام اسلامی بیان نماییم. علی‌اصغر رضوانی

### انسجام تکوینی در صدر اسلام

از آیات قرآن استفاده می‌شود که به جهت مصالحی خاص در صدر اسلام، نسبت به انسجام اسلامی عنایتی خاص از جانب خداوند متعال بوده است؛ خداوند متعال می‌فرماید: «وَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»؛ (۱) «و دل‌های آن‌ها را با هم، الفت داد! اگر تمام آنچه را روی زمین است صرف می‌کردی که میان دل‌های آنان الفت دهی، نمی‌توانستی! ولی خداوند در میان آن‌ها الفت ایجاد کرد! او توانا و حکیم است!» و نیز می‌فرماید: «وَأَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ»؛ (۲) «به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد». و این به جهت آن است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در صدر شروع کار است و اگر عده‌ای که دعوت او را پذیرفته‌اند وحدت و یکپارچگی نداشته باشند هرگز پیامبر صلی الله علیه و آله نمی‌تواند به اهداف عالی خود در جهاد و مقابله با مشرکان و گسترش اسلام برسد. و لذا خداوند متعال می‌فرماید: «وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ...»؛ (۳) «و آنچه در دل‌ها از کینه و حسد دارند، برمی‌کنیم (تا در صفا و صمیمیت با هم زندگی کنند)».

### وصیت پیامبران به پیروی از جانشین به حق

خداوند متعال در آیه‌ای می‌فرماید: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا»؛ (۴) «آیینی را برای شما تشریح کرد که به نوح توصیه کرده بود؛ و آنچه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم این بود که: دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید». و در آیه‌ای دیگر عدم تفرقه و وحدت را بر محور راه مستقیم قرار داده که همان کتاب و امام معصوم است. آنجا که می‌فرماید: «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»؛ (۵) «این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید! و از راه‌های پراکنده (و انحرافی) پیروی نکنید، که شما را از طریق حق، دور می‌سازد! این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می‌کند، شاید پرهیزگاری پیشه کنید!» و در جای دیگر می‌فرماید: «وَمَنْ يَعْصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»؛ (۶) «و هر کس به خدا تمسک جوید، به راهی راست، هدایت شده است». و نیز می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»؛ (۷) «و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اسلام، و هر گونه وسیله وحدت، چنگ زیند، و پراکنده نشوید!»

### وحدت حقیقی بر محور امام معصوم علیه السلام

#### اشاره

خداوند متعال در آیه‌ای می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»؛ (۸) «و همگی به ریسمان خدا [= قرآن و اسلام، و هر گونه وسیله وحدت، چنگ زیند، و پراکنده نشوید!» مقصود به حبل الهی، ریسمانی است که به طور حتم ما را به خدا می‌رساند که همان امام معصوم از اشتباه است. و لذا در جای دیگر می‌فرماید: «وَمَنْ يَعْصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»؛ (۹) «و هر کس



به خدا تمسك جويد، به راهی راست، هدايت شده است». در اين آيه به جای حبل الله تعبير به الله کرده و حبل را حذف نموده و از اينجا استفاده می شود که حبل الله بايد کسی باشد که مظهر خدا و کلمه قولي و فعلی اتم خداوند باشد. در آيه ای ديگر دعوت به پیروی از صراط مستقيم نموده و از راه های ديگر نهي کرده است آنجا که می فرماید: «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ»؛ (۱۰) «این راه مستقيم من است، از آن پیروی کنید! و از راه های پراکنده (و انحرافی) پیروی نکنید، که شما را از طريق حق، دور می سازد!» پس در حقيقت امر به پیروی و تمسك و چنگ زدن به حبل الله کرده که همان قرآن و عترت است همان گونه که در حديث ثقلين آمده است. از اينجا معنا و مفهوم احاديثی که «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»؛ (۱۱) «ما را به راه راست هدايت کن» را به صراط و راه امام علی عليه السلام معنا کرده اند روشن می شود. و نیز معنای آيه شريفه «وَأَنَّ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»؛ (۱۲) «و این که مرا بپرستيد که راه مستقيم اين است؟!» روشن می شود که در چنگ زدن به خدا که همان چنگ زدن به حبل الله و کتاب و عترت است عبوديت خداوند است؛ زیرا عبوديت در اطاعت دستورات خدا بدون چون و چراست. از آيات قرآن کریم نیز عصمت کتاب خدا و عترت استفاده می شود؛ خداوند متعال در مورد قرآن می فرماید: «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ»؛ (۱۳) «که هيچ گونه باطلی، نه از پيش رو و نه از پشت سر، به سراغ آن نمی آيد». و درباره اهل بيت عليهم السلام می فرماید: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»؛ (۱۴) «خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بيت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد». از پیامبر صلی الله عليه وآله نقل شده که فرمود: «ترکتکم علی المحجة البيضاء التي ليلها كنهارها...»؛ (۱۵) «من شما را بر راه روشنی رها کردم که شبش همانند روز روشن است، پس راه واضح است به حدی که سيرکننده در آن گمراه نمی گردد». با مراجعه به حديث «ثقلين» و حديث «امان» و حديث «سفينه» پی به مصداق صراط مستقيم و حبل الله واقعی خواهیم برد. رسول خدا صلی الله عليه وآله می فرماید: «أني تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي ما ان تمسكتم بهما لن تضلوا بعدى ابداً»؛ (۱۶) «همانا در میان شما دو شیء گرانبها می گذارم؛ یکی کتاب خدا و دیگری عترتم، که اگر به آن دو تمسك کنید هرگز بعد از من گمراه نمی شوید». و نیز فرمود: «النجوم امان لأهل السماء و اهل بيتي امان لأمتي من الاختلاف فاذا خالفتها قبيلة من العرب اختلفوا فصاروا حزب ابليس»؛ (۱۷) «ستارگان مأمّن برای اهل آسمان اند و اهل بيتم نیز مأمّن برای اتمم از اختلاف؛ هرگاه با آنان گروهی از عرب مخالفت نمایند بينشان اختلاف افتاده و جزء حزب شيطان می شوند». و نیز فرمود: «مثل اهل بيتي كسفينة نوح من ركبها نجى و من تخلف عنها هلك»؛ (۱۸) «مثل اهل بيتم همانند کشتی نوح است؛ که هر کس بر آن سوار شود نجات یافته و هر کس از آن تخلف کند هلاک شود». دکتر تيجانی درباره حديث ثقلين می گوید: «و اذا كان هذا الحديث صحيحاً عند الطرفين بل عند كل المسلمين على اختلاف مذاهبهم، فما بال قسم من المسلمين لا يعمل به؟ ولو عمل المسلمون كافة بهذا الحديث لنشأت بينهم وحدة اسلامية قوية لا تززعها الرياح ولا تهدها العواصف و لا يطلبها الاعلام و لا يفسلها اعداء الاسلام. و حسب اعتقادي ان هذا هو الحل الوحيد لخلاص المسلمين و نجاتهم و ماسواه باطل و زخرف من القول. و المتبع للقرآن و السنة النبوية و المطلع على التاريخ و المتدبر فيه بعقله يوافقني بلاشك على هذا...»؛ (۱۹) «اگر اين حديث نزد شيعه و سنی بلکه تمام مسلمانان با اختلاف در مذهبشان، صحيح است، پس چرا برخی از مسلمانان به آن عمل نمی کنند؟ و اگر تمام مسلمانان به اين حديث عمل کرده بودند می توانست وحدت اسلامي قوی بين آنها ايجاد گردد به حدی که بادهای نتواند آنها را به حرکت در آورده و طوفانها آن را از جا بر کند و کسی معترض آن نشده و دشمنان اسلام آن را سست نگردانند. آری به حسب اعتقاد من، اين تنها راه خلاصی مسلمانان و نجات آنهاست، و ماسواي آن باطل و گفتاری بی معناست، و کسی که در قرآن و سنت نبوی تتبع کرده و بر تاريخ مطلع بوده و در آن با عقلش تدبیر کرده، مرا در اين امر بدون شك موافقت خواهد کرد...». او نیز می گوید: «ان هذه الوحدة قادمة لا محالة أحبوا ام اكرهوا؛ لان الله سبحانه رصد لها اماماً من ذرية المصطفى سيملوها قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً، و هذا الامام هو من العتره الطاهرة...»؛ (۲۰) «این وحدت به طور حتم خواهد آمد، بخواهند یا نخواهند؛ زیرا خداوند سبحان برای آن

پیشوایی از ذریه مصطفی قرار داده که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد، و این امام همانا از عترت طاهره است...».

## اشکال

اگر کسی بگوید: حکم هدایت به راه مستقیم برای اعتصام به خدا آمده ولی برای اعتصام به «جبل الله» چنین حکمی نیامده است و این مؤید آن است که ریسمان خدا که همان راه‌های به سوی خداست گرچه ظنی است ولی همه باید به آن تمسک کرده و تفرقه نداشته باشند.

## پاسخ

اولاً: این دو آیه نزدیک به هم و در یک سوره آمده و لذا می‌تواند شارح همدیگر باشند به همان نحوی که گفته شد. ثانیاً: از آنجا که اعتصام به خدا بدون واسطه برای هیچ کس به جز اولیای الهی ممکن نیست لذا به طور حتم مقصود به آن همان اعتصام به جبل الله و واسطه فیض خداست. ثالثاً: در آیه ۱۰۳ از سوره آل عمران کلمه «جبل» به صورت مفرد آورده شده نه به جمع و این خود دلالت بر وحدت واسطه و وسیله رسیدن به خدا دارد.

## سنت الهی در امتحان امته‌ها

### توضیح

خداوند متعال می‌فرماید: «الم \* أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ \* وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ»؛ (۲۱) «الم آیا مردم گمان کردند همین که بگویند: «ایمان آوردیم»، به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد؟! ما کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم (و این‌ها را نیز امتحان می‌کنیم)؛ باید علم خدا درباره کسانی که راست می‌گویند و کسانی که دروغ می‌گویند تحقق یابد! خداوند متعال با در میان قرار دادن محور حق که همان امام معصوم است افراد را امتحان می‌نماید؛ همان گونه که شیطان را با حضرت آدم علیه السلام و امت اسلام را با معرفی حضرت علی علیه السلام به خلافت و امامت امتحان نمود. خداوند متعال می‌فرماید: «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيعًا وَيُذِيقَ بَعْضُكُم بَأْسَ بَعْضٍ»؛ (۲۲) «بگو: او قادر است که از بالا یا از زیر پای شما، عذابی بر شما بفرستد؛ یا بصورت دسته‌های پراکنده شما را با هم بیامیزد؛ و طعم جنگ (و اختلاف) را به هر یک از شما بوسیله دیگری بچشانند». اینک به نمونه‌هایی از این گونه امتحانات اشاره می‌کنیم؛

### ۱ – امتحان ملائکه و شیطان با خلقت حضرت آدم علیه السلام

خداوند متعال درباره حضرت آدم علیه السلام و شیطان و ملائکه می‌فرماید: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ»؛ (۲۳) «(یاد کن) هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده و خضوع کنید!» همگی سجده کردند؛ جز ابلیس که سر باز زد، و تکبر ورزید، (و به خاطر نافرمانی و تکبرش) از کافران شد». قبل از خلقت حضرت آدم علیه السلام هم نیز ملائکه امتحان شده بودند آنجا که خداوند متعال می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»؛ (۲۴) «(به خاطر بیاور)

هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من در روی زمین، جانشینی [= نماینده‌ای] قرار خواهم داد». فرشتگان گفتند: «پروردگارا! آیا کسی را در آن قرار می‌دهی که فساد و خونریزی کند؟! (زیرا موجودات زمینی دیگر، که قبل از این آدم وجود داشتند نیز، به فساد و خونریزی آلوده شدند. اگر هدف از آفرینش این انسان، عبادت است)، ما تسبیح و حمد تو را بجا می‌آوریم، و تو را تقدیس می‌کنیم.» پروردگار فرمود: من حقایقی را می‌دانم که شما نمی‌دانید. و از آنجا که شیطان در امتحان خود با تسلیم نسبت به امام به حق رفوزه شد لذا خداوند متعال مؤمنان را به تسلیم در برابر دستورات خود دعوت کرده و از پیروی شیطان در این زمینه نهی کرده است آن جا که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَآفَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ»؛ (۲۵) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید همگی در صلح و آشتی درآید! و از گام‌های شیطان، پیروی نکنید؛ که او دشمن آشکار شماست».

## ۲- امتحان امت اسلامی در وحدت بر مسأله امامت

خداوند متعال این امت را بعد از وفات پیامبرش بر مسأله امامت به حق، امتحان کرده است؛ آنجا که می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»؛ (۲۶) «و همگی به ریسمان خدا [= قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله وحدت، چنگ زنید، و پراکنده نشوید! و نیز از آیه‌ای دیگر استفاده می‌شود که وصیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله همانند وصیت دیگر انبیاء عدم تفرقه و اتحاد بر محور حق و حقیقت است. خداوند متعال می‌فرماید: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا»؛ (۲۷)(۲۸) «آیینی را برای شما تشریح کرد که به نوح توصیه کرده بود؛ و آنچه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم این بود که: دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید». و نیز می‌فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ»؛ (۲۹) «و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند؛ (آن هم) پس از آنکه نشانه‌های روشن (پروردگار) به آنان رسید!». مسلم نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «سَأَلْتُ رَبِّي ثَلَاثًا فَاعْطَانِي اثْنَيْنِ وَمَعْنَى وَاحِدَةً؛ سَأَلْتُهُ أَنْ لَا يَهْلِكَ أُمَّتِي بِالسَّنَةِ فَاعْطَانِيهَا، وَ سَأَلْتُهُ أَنْ لَا يَجْعَلَ بِأَسْهَمٍ بَيْنَهُمْ فَمَنْعَنِهَا»؛ (۳۰) «از پروردگارم سه چیز درخواست کردم، دوتای آن را به من عطا نمود و مرا از یکی از آن‌ها منع کرد؛ از او درخواست کردم که امتم را با قحطی هلاک نگرداند، پذیرفت. و نیز درخواست نمودم که با غرق امتم را هلاک نکند، پذیرفت. ولی خواستم که بینشان نزاع نباشد، آن را نپذیرفت». اولین کسی که بر مسأله امامت در امت اسلامی امتحان شد و رفوزه بیرون آمد نعمان بن حارث فهری بود؛ او هنگامی که شنید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام را به خلافت و جانشینی خود منصوب کرده، آمد و به حضرت رسول صلی الله علیه و آله عرض کرد: ای محمد! ما را از جانب خداوند امر کردی تا شهادت به وحدانیت خداوند دهیم و این که تو رسول خدایی، ما هم قبول کردیم، و امر نمودی تا پنج نوبت نماز بخوانیم آن را نیز از تو پذیرفتیم، و ما را به زکات و روزه ماه رمضان و حج امر نمودی آن را نیز قبول کردیم، به این رازی نشدی تا آنکه بازوان پسرعمویت را بالا برده و او را بر ما برتری دادی و گفتی: «هرکس که من مولای اویم این علی نیز مولای اوست»، آیا این مطلبی بود که از جانب خود گفتی یا از جانب خدای عزوجل؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: قسم به کسی که جز او خدایی نیست، همانا این مطلب از جانب خداوند بوده است. در این هنگام حارث بن نعمان به پیامبر صلی الله علیه و آله پشت کرده و به سوی راحله خود حرکت کرد و می‌گفت: بار خدایا! اگر آنچه محمد می‌گوید حق است بر من سنگی از آسمان ببار یا عذابی دردناک بر من بفرست. او به شترش نرسیده بود که سنگی از آسمان فرستاد که بر سر او خورده و از پشت او بیرون آمد و به این طریق کشته شد. در این هنگام بود که خداوند عزوجل این آیه را نازل فرمود: «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ»؛ (۳۱) «تقاضا کننده‌ای تقاضای عذابی کرد که واقع شد! این عذاب مخصوص کافران است، و هیچ کس نمی‌تواند آن را دفع کند».

## ایمان همراه با ولایت

گرچه حکم به برادری با اهل سنت در آیات قرآن بر ایمان به طور مطلق آمده است آنجا که می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»؛ «مؤمنان برادر یکدیگرند»، ولی مطابق آیات دیگر و نیز برخی از روایات، ایمان مشروط به اعتقاد به ولایت اهل بیت علیهم السلام و اخذ دین از طریق آنان است. خداوند متعال می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»؛ (۳۲)(۳۳) «و همگی به ریسمان خدا [=قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله وحدت، چنگ زنید، و پراکنده نشوید!] و در آیه‌ای دیگر نتیجه اعتصام به حبل الله که همان اعتصام به خداست را هدایت به صراط مستقیم که همان ایمان است می‌داند آنجا که می‌فرماید: «وَمَنْ يَعْصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»؛ (۳۴) «(بنابر این، به خدا تمسک جوید!) و هر کس به خدا تمسک جوید، به راهی راست، هدایت شده است». و این صراط مستقیم همان صراطی است که دستور به پیروی از آن داده شده و وصیت و سفارش خداوند به انبیا است آنجا که می‌فرماید: «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»؛ (۳۵) «این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید! و از راه‌های پراکنده (و انحرافی) پیروی نکنید، که شما را از طریق حق، دور می‌سازد! این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می‌کند، شاید پرهیزگاری پیشه کنید!» و «حبل الله» مطابق حدیث ثقلین، کتاب و عترت معصوم است، همان‌گونه که قبلاً به آن اشاره کردیم. در مناظره‌ای که بین امام صادق علیه السلام و برخی از اصحاب او از آن جمله هشام بن حکم، با مرد شامی اتفاق افتاد، بعد از آنکه مرد شامی مغلوب شد و پی به عظمت و امامت حضرت برد عرض کرد: «اسلمت لله الساعة؛ من الآن اسلام آوردم؟»، حضرت به او فرمود: «بل آمنت بالله الساعة؛ انّ الاسلام قبل الایمان و علیه یتوارثون و یتناکحون و علی الایمان یتابون»؛ (۳۶) «بلکه تو الآن به خدا ایمان آوردی؛ زیرا اسلام قبل از ایمان است و بر آن مردم ارث برده و نکاح می‌کنند و بر ایمان است که مردم صواب می‌برند».

## احتیاج به امام ناطق

از آیات قرآن استفاده می‌شود، همان‌گونه که احتیاج به امام صامت است که قرآن باشد، به امام ناطق نیز احتیاج است؛ زیرا خداوند متعال از طرفی می‌فرماید: «وَمَنْ قَبِلَهُ كَتَابٌ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً»؛ (۳۷) «و پیش از آن، کتاب موسی که پیشوا و رحمت بود (گواهی بر آن می‌دهد)». و درباره کتاب حضرت موسی و ابراهیم علیهما السلام می‌فرماید: «صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ»؛ (۳۸) «در کتب ابراهیم و موسی». ولی در عین حال می‌فرماید: «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا...»؛ (۳۹) «(به خاطر آورد) هنگامی که خداوند، ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود. و او به خوبی از عهده این آزمایش‌ها برآمد. خداوند به او فرمود: من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم!» و نیز با وجود آنکه درباره قرآن می‌فرماید: «تَبَيَّنَّا لَكُلِّ شَيْءٍ»؛ (۴۰) «بیانگر همه چیز». ولی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به عنوان مبین و سخنگوی آن معرفی کرده و می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ»؛ (۴۱) «(از آن‌ها بپرسید که) از دلایل روشن و کتب (پیامبران پیشین آگاهند!) و ما این ذکر [=قرآن] را بر تو نازل کردیم، تا آنچه به سوی مردم نازل شده است برای آن‌ها روشن سازی».

## وظیفه ما در بیان حقایق

از آیات قرآن که درباره ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و دیگر ائمه آمده و نیز از سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیهما السلام و امام حسین علیه السلام استفاده می‌شود که هرگاه بین بیان حق مهم و وحدت تعارض شد بیان حق مقدم بوده و وحدت است که باید فدای حق مهم شود بلکه گاهی باید به جهت بیان حق مهم وحدت جامعه را بر هم زد و

آن موقعی است که جامعه بر باطل وحدت کرده است. امام خمینی قدس سره در این باره می‌فرماید: «رسول خداصلی الله علیه وآله در عینی که برایش مشکل بود که حضرت امیر را معرفی کند و راه هدایت را به مردم بگوید، برای این که می‌دید ممکن است یک وقت اختلاف بشود، مع ذلک خدا الزامش کرد که باید بگویی، اگر نگویی کاری نکردی.» (۴۲) اینک به نمونه‌هایی از موارد تقدیم حق بر وحدت در سیره معصومین علیهم السلام اشاره می‌کنیم؛ ۱ - سیره رسول خداصلی الله علیه وآله در ابلاغ ولایت حضرت علی علیه السلام در روز غدیر؛ زیرا رسول خداصلی الله علیه وآله می‌دانست که مسلمانان با طرح این مسأله اختلاف کرده و به دو دسته شیعه علی علیه السلام و سنی تقسیم می‌شوند ولی در عین حال از بیان حق کوتاه نیامد. ۲ - سیره حضرت علی علیه السلام در حکومت داری؛ زیرا حضرت می‌دانست که با طرد معاویه و طلحه و زبیر حکومتش بر هم خورده و وحدت اسلامی متلاشی خواهد شد ولی در عین حال دست به این کار اسلامی و انقلابی زد. ۳ - حضرت زهراعلیها السلام با آنکه می‌دانستند که امت اسلامی بعد از وفات پدرش از هر طرف مورد تعرض است، از طرفی روم شرقی که تا پشت مرزهای اسلامی پیش آمده بود و از طرفی دیگر مردم کشور پهناور ایران آن زمان هنوز اسلام نیاورده و پادشاه آن، نامه رسول خداصلی الله علیه وآله را پاره نموده است. و نیز یهود و ستون پنجم دشمن یعنی منافقان داخلی در صدد ضربه زدن به اسلام بودند و مردم نیز تازه مسلمان شده‌اند ولی در عین حال فاطمه زهراعلیها السلام با این که بهترین حالت را برای زن مواجه نشدن با مرد نامحرم می‌داند چنان مطلب را مهم دیده که از خانه به سوی مسجد رسول خداصلی الله علیه وآله می‌آید و با ابوبکر محاجه می‌کند و به دفاع از حق شوهر برمی‌خیزد. ۴ - کاری که امام حسین علیه السلام کرد و بعد از واقعه عاشورا چه نهضت‌ها و قیام‌هایی را در جامعه به راه انداخت همگی توجیه گر این نکته است که هنگام تعارض بین بیان و مسأله وحدت اسلامی، بیان حق مهم مقدم است.

### علم پیامبر صلی الله علیه وآله به اختلاف امت اسلامی

از ظاهر آیات و روایات استفاده می‌شود که پیامبر صلی الله علیه وآله از اختلاف امت اسلامی بعد از وفات خود اطلاع داشته است؛ ۱ - خداوند متعال در باره پیامبر خود می‌فرماید: «عِلْمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهَرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا»؛ (۴۳) «دانای غیب اوست و هیچ کس را بر اسرار غیبش آگاه نمی‌سازد»، پس به طور حتم، پیامبر صلی الله علیه وآله از اتفاقی که بعد از او بر سر مسأله خلافت افتاد اطلاع داشته است. ۲ - ابوهریره از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل کرده که فرمود: «افترقت اليهود علی احدی - او اثنین - و سبعین فرقه، و تفرقت النصارى علی احدی - او اثنین - و سبعین فرقه، و تفرقت اُمّتی علی ثلاث و سبعین فرقه»؛ (۴۴) «یهود بر هفتاد و یک یا هفتاد و دو فرقه متفرق شدند، و نصارا بر هفتاد و یک و یا هفتاد و دو فرقه تقسیم شدند، و امت من بر هفتاد و سه دسته متفرق می‌گردند».

### توجیه کلام هارون علیه السلام

#### اشاره

برخی می‌گویند: حضرت موسی علیه السلام بعد از بازگشت از کوه طور چون مشاهده کرد که عده‌ای از قومش گوساله پرست شده‌اند به برادرش هارون فرمود: «يَاهَارُونَ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا أَلَّا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي»؛ (۴۵) «ای هارون! چرا هنگامی که دیدی آن‌ها گمراه شدند... از من پیروی نکردی؟! آیا فرمان مرا عصیان نمودی؟!» هارون در جواب حضرت موسی علیه السلام عرض کرد: «يَبْنَؤُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي»؛ (۴۶) «ای فرزند مادرم! [= ای برادر!] ریش و سر مرا مگیر! من ترسیدم بگویی تو میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی، و سفارش مرا به کار نبستی!» و این در حالی است که خداوند متعال خطاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ

فَمَا بَلَّغَتْ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ»؛ (۴۷) «ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای! خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می‌دارد؛ و خداوند، جمعیت کافران (لجوج) را هدایت نمی‌کند». سؤال این است که چگونه خداوند متعال به پیامبرش تأکید می‌کند هر طور که شده ولو در امت اختلاف می‌افتد تو باید امر ولایت حضرت علی علیه السلام را ابلاغ کنی ولی وقتی حضرت هارون علیه السلام از حضرت موسی علیه السلام عذر می‌خواهد و می‌گوید: «إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي» حضرت موسی علیه السلام سکوت می‌کند و چیزی نمی‌گوید؟!

### پاسخ

در جمع بین این دو آیه می‌گوییم: به طور حتم حضرت هارون علیه السلام به وظیفه نهی از منکر قولی نسبت به پرستش گوساله سامری اقدام کرده است ولی حضرت موسی علیه السلام از او شدت عمل خواسته بود، که هارون در جواب او این عبارت را گفته است: «إِنِّي خَشِيتُ...»، و خداوند متعال از پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله نیز همین مرتبه یعنی مرتبه گفتن حق را خواسته است نه اقدام عملی. لذا امام خمینی قدس سره فرموده است: «رسول خدا صلی الله علیه وآله در عینی که برایش مشکل بود که حضرت علی علیه السلام را معرفی کند و راه هدایت را به مردم بگوید، برای این که می‌دید ممکن است یک وقت اختلاف بشود، مع ذلک خدا الزامش کرد که باید بگویی و اگر نگویی کاری نکردی». (۴۸)

### رجوع به خدا و رسول هنگام اختلاف در جانشین پیامبر صلی الله علیه وآله

خداوند متعال می‌فرماید: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ»؛ (۴۹) (۵۰) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الامر [= اوصیای پیامبر] را! و هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید (و از آن‌ها داوری بطلبید)». و نیز می‌فرماید: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَمَّا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»؛ (۵۱) (۵۲) «و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود! و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت‌کنندگان است!» از این آیات استفاده می‌شود که مرجع هنگام اختلاف در مسائل و موضوعات خارجی که از آن جمله تعیین امام و جانشین بعد از پیامبر صلی الله علیه وآله می‌باشد رجوع به خدا و رسول است که از این طریق، اختلاف از بین مردم برطرف خواهد شد.

### ضرورت بیان حقایق

خداوند متعال می‌فرماید: «فَمَاذَا بَعَدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ»؛ (۵۳) «با این حال، بعد از حق، چه چیزی جز گمراهی وجود دارد؟! و از پیامبر صلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود: «عَلَىٰ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ»؛ (۵۴) «علی با حق، و حق با علی است». از آنجا که مخالف ممکن است بگوید ما منکر فضائل امام علی علیه السلام نیستیم ولی بزرگان ما نیز دارای فضائل بوده‌اند و اثبات شیئیء نفی ماعدا نمی‌کند؟ لذا باید هم اشاره به مقام و فضایل به حق امام علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام نماییم و هم اشاره به مطاعن دشمنان آن حضرت علیه السلام از کتاب‌های اهل سنت کنیم. و لذا حضرت هود علیه السلام در بحث با قوم خود می‌فرماید: «وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنَّ أَنْتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ»؛ (۵۵) «(ما) به سوی (قوم) عاد، برادرشان «هود» را فرستادیم؛ (به آن‌ها) گفت: «ای قوم من! خدا را پرستش کنید، که معبودی جز او برای شما نیست! شما فقط تهمت می‌زنید (و بتها را شریک او می‌خوانید)!» رسول خدا صلی الله علیه وآله می‌فرماید: «مثل اهل بیتی کسفینه نوح من رکبها نجی و من تخلف عنها

غرق»؛ (۵۶) «مثل اهل بیت همانند کشتی نوح است؛ هر کس سوار بر آن شد نجات یافت و هر کس از آن تخلف نمود غرق شد». و نیز می‌فرماید: «اُنّی تارک فیکم الثقلین کتاب اللّٰه و عترتی ما ان تمسکتُم بهما لن تضلّوا بعدی ابدًا»؛ (۵۷) «همانا در میان شما دو چیز گرانبها گذاشتم یکی کتاب خدا و دیگری عترتم که اگر به آن دو تمسک کنید هرگز بعد از من گمراه نمی‌شوید». و از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «حقّ و باطل و لکلّ اهل»؛ (۵۸) (۵۹) «حقّی است و باطلی و برای آن دو اهلی است».

### حرمت کتمان حقایق

شکی نیست که در قرآن کریم در مورد ولایت و امامت اهل بیت علیهم السلام علی الخصوص علی علیه السلام، آیات فراوانی آمده است. این آیات گرچه به طور صراحت نامی در آن‌ها از اهل بیت علیهم السلام نیامده ولی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این آیات را بر ذوات مقدسه معصومین علیهم السلام تطبیق کرده است، و می‌دانیم که وظیفه پیامبر صلی الله علیه و آله بیان احکام است آنجا که خداوند خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ»؛ (۶۰) (۶۱) «و ما این ذکر [= قرآن] را بر تو نازل کردیم، تا آنچه به سوی مردم نازل شده است برای آن‌ها روشن سازی». پس وظیفه پیامبر صلی الله علیه و آله تبیین آیات است و اگر در قرآن سخن از آیات بینات است از آن جهت می‌باشد که توسط آن حضرت تبیین شده است. و می‌دانیم هر کس که آیات بیان شده از ناحیه پیامبر صلی الله علیه و آله را کتمان کند مشمول لعنت خواهد بود. خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ»؛ (۶۲) «کسانی که دلایل روشن، و وسیله هدایتی را که نازل کرده‌ایم، بعد از آنکه در کتاب برای مردم بیان نمودیم، کتمان کنند، خدا آن‌ها را لعنت می‌کند؛ و همه لعن کنندگان نیز، آن‌ها را لعن می‌کنند». و این که در این آیات، بیان به صورت متکلم مع الغیر آمده شاید به این جهت باشد که خداوند با همکاری پیامبر صلی الله علیه و آله هدایت را برای مردم به عهده گرفته است. و بدین جهت است که پیامبر صلی الله علیه و آله مطابق نصّ صحیح به اعتراف اهل سنت همچون البانی در «سلسله الاحادیث الصحیحه» بعد از آنکه ولایت حضرت علی علیه السلام را ابلاغ کرد فرمود: «اللّٰهُمّ وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و اخذل من خذله»؛ «بارخدا یا! هر کس که ولایت او را پذیرفت او را دوست بدار و هر کس که چنین نکرد او را دشمن بدار، و هر کس که او را یاری کرد، نصرت کن، و هر کس که او را خار نمود، دلیل فرما». پس هر کس که ولایت علی علیه السلام را کتمان کرده و آن را ابلاغ نکند از جانب خداوند خوار خواهد شد. این مطلب قابل توجه است که نصرت حضرت علی علیه السلام مخصوص به زمان حیات آن حضرت نیست بلکه همه ما می‌توانیم به نوعی یاری کننده او باشیم به این نحو که مردم را به ولایت و امامت و رهبری و مرجعیت دینی او دعوت کنیم خصوصاً کسانی که از آن اطلاعی ندارند. خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»؛ (۶۳) «و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند؛ (آن هم) پس از آنکه نشانه‌های روشن (پروردگار) به آنان رسید! و آن‌ها عذاب عظیمی دارند».

### امام علی علیه السلام و دعوت به اهل بیت علیهم السلام

از ظاهر روایات استفاده می‌شود که اهل بیت علیهم السلام خصوصاً امام علی علیه السلام دعوت به خود که محور حقّ بوده‌اند نموده است؛ ۱ - امام علی علیه السلام در توصیف عترت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «فاین تذهبون و اُنّی توفکون و الأعلام قائمه و الآيات واضحة و المنار منصوبه فاین یتاه بکم و کیف تعمهون و بینکم عتره نبیکم و هم ازمه الحق و اعلام الدین و ألسنة الصدق»؛ (۶۴) «مردم کجا می‌روید؟ چرا از حقّ منحرف می‌شوید؟ پرچمهای حقّ بر پاست، و نشانه‌های آن آشکار است، با این که چراغهای هدایت روشنگر راه‌اند، چون گمراهان به کجا می‌روید؟ چرا سرگردان هستید؟ در حالی که عترت پیامبر صلی الله علیه و آله شما در

میان شماست. آنان زمامداران حقّند، پیشوایان دین، و زبان‌های راستی و راست گویانند». ۲ - و نیز می‌فرماید: «انظروا اهل بیت نبیکم فالزموا سمعتم و اتبعوا اثرهم فلن یخرجوکم من هدی و لن یعیدوکم فی ردی، فان لَیدوا فاللَیدوا و ان نهضوا فانهضوا ولا تسبقوهم فضلوا و لاتتأخروا عنهم فتهلکوا»؛ (۶۵) «مردم! به اهل بیت پیامبران بنگرید از آن سو که گام برمی‌دارند گام را به جای گام آنان بگذارید، آنان شما را از راه هدایت بیرون نمی‌برند و به پستی و هلاکت باز نمی‌گردانند. اگر سکوت کردند سکوت کنید و اگر قیام کردند، بپای خیزید. از آنان پیشی نگیرید که گمراه می‌شوید و از آنان عقب نمانید که نابود می‌گردید». ۳ - و نیز می‌فرماید: «نحن الشعار و الأصحاب و الخزنة و الابواب و لا-تؤتی الیبوت الّا من ابوابها فمن أتاها من غیر ابوابها سمی سارقاً»؛ (۶۶)(۶۷) «مردم! ما اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله چونان پیراهن تن او و یاران راستین او خزانه داران علوم و معارف وحی و درهای ورود به آن معارف، می‌باشیم، که جز از در، هیچ کس به خانه‌ها وارد نخواهد شد. و هر کس از در به خانه وارد نشود دزد نامیده می‌شود». ۴ - و نیز می‌فرماید: «این الذین زعموا أنّهم الراسخون فی العلم دوننا کذباً و بغیاً علینا ان رفعنا الله و وضعهم و اعطانا و حرّمهم و ادخلنا و اخرجهم، بنا یستعطي الهدی و یستجلی العمی»؛ (۶۸) «کجایند کسانی که پنداشتند دانایان علم قرآن آنان می‌باشند نه ما؟ که این ادعا را بر اساس دروغ و ستمکاری بر ضد ما روا داشتند. خدا ما اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را بالا آورد و آنان را پست و خوار کرد، به ما عطا فرمود و آنها را محروم ساخت، ما را در حریم نعمت‌های خویش داخل و آنان را خارج کرد، که راه هدایت را با راهنمایی ما می‌پویند و روشنی دل‌های کور از ما می‌جویند».

### غدیر محور انسجام حقیقی

در دهمین سال هجرت، رسول خدا صلی الله علیه و آله قصد زیارت خانه خدا را نمودند، فرمان حضرت مبنی بر اجتماع مسلمانان، در میان قبایل مختلف و طوایف اطراف، اعلان شد، گروه عظیمی برای انجام تکلیف الهی (ادای مناسک حج) و پیروی از تعلیمات آن حضرت، به مدینه آمدند. این تنها حجی بود که پیامبر بعد از مهاجرت به مدینه، انجام می‌داد، که با نام‌های متعدد، در تاریخ ثبت شده است؛ از قبیل: حجّه‌الوداع، حجّه‌الاسلام، حجّه‌البلاغ، حجّه‌الکمال و حجّه‌التمام. رسول خدا صلی الله علیه و آله غسل کردند، دو جامه ساده احرام، با خود برداشتند: یکی را به کمر بسته و دیگری را به دوش مبارک انداختند، و روز شنبه، ۲۴ یا ۲۵ ذی‌قعدة، به قصد حج، پیاده از مدینه خارج شدند. تمامی زنان و اهل حرم خود را نیز، در هودج‌ها قرار دادند. با همه اهل بیت خود و به اتفاق تمام مهاجران و انصار و قبایل عرب و گروه بزرگی از مردم، حرکت کردند. (۶۹) بسیاری از مردم به علت شیوع بیماری آبله از عزیمت و شرکت در این سفر باز ماندند با وجود این، گروه بی‌شماری با آن حضرت، همراه شدند. تعداد شرکت کنندگان را، ۱۱۴ هزار، ۱۲۰ تا ۱۲۴ هزار و بیشتر، ثبت کرده‌اند؛ البته تعداد کسانی که در مکه بوده، و گروهی هم که با علی علیه السلام و ابوموسی اشعری از یمن آمدند، به این تعداد افزوده می‌شود. بعد از انجام مراسم حج، پیامبر صلی الله علیه و آله با آن جمعیت کثیر، آهنگ بازگشت به مدینه کردند. هنگامی که به غدیر خم رسیدند، جبرئیل امین، فرود آمد و از جانب خدای متعال، این آیه را آورد: «یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ...»؛ (۷۰) «ای رسول ما! آنچه از جانب پروردگارت به تو نازل شده به مردم ابلاغ کن.» جحفه، منزلگاهی است که راه‌های متعدد، از آنجا منشعب می‌شود. ورود پیامبر و یارانش به آنجا، در روز پنج‌شنبه، هجده ذی‌الحجّه صورت گرفت. امین وحی، از طرف خداوند به پیامبر امر کرد تا علی علیه السلام را ولی و امام معرفی کرده و وجوب پیروی و اطاعت از او را به خلق ابلاغ کند. آنان که در دنبال قافله بودند، رسیدند، و کسانی که از آن مکان عبور کرده بودند، باز گشتند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود خار و خاشاک آنجا را برطرف کنند. هوا به شدت گرم بود، مردم قسمتی از ردای خود را بر سر و قسمتی را زیر پا افکندند و برای آسایش پیامبر، چادری تهیه کردند. اذان ظهر گفته شد و پیامبر، نماز ظهر را با همراهان، ادا کردند. بعد از پایان نماز، از جهاز شتر، محل مرتفعی ترتیب دادند. پیامبر با صدای بلند، همگان را متوجه ساخت و خطبه را این‌گونه آغاز



فرمود: «حمد، مخصوص خداست، یاری از او می‌خواهیم، به او ایمان داریم، و تو کُل ما بر اوست. از بدی‌های خود و اعمال نادرست به او پناه می‌بریم. گمراهان را جز او، پناهی نیست. آن کس را که او راهنمایی فرموده گمراه کننده‌ای نخواهد بود. گواهی می‌دهم معبودی جز او نیست و محمد بنده و فرستاده اوست. پس از ستایش خداوند و گواهی به یگانگی او فرمود: ای گروه مردم! خداوند مهربان و دانا مرا آگاهی داده که دوران عمرم به سر آمده است. هر چه زودتر دعوت خدا را اجابت و به سرای باقی خواهم شتافت. من و شما هر کدام بر حسب آنچه بر عهده داریم، مسئولیم. اینک اندیشه و گفتار شما چیست؟ مردم گفتند: «ما گواهی می‌دهیم که تو پیام خدا را ابلاغ کردی و از پند دادن ما و کوشش در راه وظیفه، دریغ نمودی، خدای به تو پاداش نیک عطا فرماید!» سپس فرمود: «آیا به یگانگی خداوند و این که محمد بنده و فرستاده اوست، گواهی می‌دهید؟ و این که بهشت و دوزخ و مرگ و قیامت تردید ناپذیر است و این که مردگان را خدا بر می‌انگیزد، و این‌ها همه راست و مورد اعتقاد شما است؟» همگان گفتند: «آری! به این حقایق، گواهی می‌دهیم.» پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: «خداوند! گواه باش.» پس، با تأکید فرمود: «همانا من در انتقال به سرای دیگر و رسیدن به کنار حوض، بر شما سبقت خواهم گرفت و شما در کنار حوض بر من وارد می‌شوید؛ پهنای حوض من به مانند مسافت بین «صنعا» و «بصری» است، در آنجا به شماره ستارگان، قدح‌ها و جام‌های سیمین، وجود دارد. بیندیشید و مواظب باشید، که من پس از خودم دو چیز گران‌بها و ارجمند در میان شما می‌گذارم، چگونه رفتار می‌کنید؟» در این موقع، مردم بانگ بر آوردند: یا رسول الله! آن دو چیز گران‌بها چیست؟ فرمود: «آنچه بزرگ‌تر است کتاب خداست، که یک طرف آن در دست خدا و طرف دیگر آن، در دست شماست. بنابراین آن را محکم بگیرید و از دست ندهید تا گمراه نشوید. آنچه کوچک‌تر است، عترت من می‌باشد. همانا، خدای دانا و مهربان، مرا آگاه ساخت، که این دو هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد، تا در کنار حوض بر من وارد شوند؛ من این امر را از خدای خود، درخواست نموده‌ام، بنابراین بر آن دو پیشی نگیرید و از پیروی آن دو باز نایستید و کوتاهی نکنید، که هلاک خواهید شد.» سپس دست علی علیه السلام را گرفت و او را بلند نمود، به حدی که سفیدی زیر بغل هر دو نمایان شد. مردم او را دیدند و شناختند. رسول الله صلی الله علیه و آله این گونه ادامه داد: «ای مردم! کیست که بر اهل ایمان از خود آن‌ها سزاوارتر باشد؟» مردم گفتند: «خدای و رسولش داناترند.» فرمود: «همانا خدا مولای من است و من مولای مؤمنین هستم و بر آن‌ها از خودشان اولی و سزاوارترم. پس هر کس که من مولای اویم، علی مولای او خواهد بود.» و بنا به گفته احمد بن حنبل (پیشوای حنبلی‌ها)، پیامبر این جمله را چهار بار تکرار نمود. سپس دست به دعا گشود و گفت: «بارخدا! دوست بدار، آن که او را دوست دارد و دشمن بدار آن که او را دشمن دارد. یاری فرما یاران او را و خوار کنندگان او را خوار گردان. او را معیار، میزان و محور حق و راستی قرار ده.» آن‌گاه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «باید آنان که حاضرند، این امر را به غایبان برسانند و ابلاغ کنند.» قبل از پراکنده شدن جمعیت، امین وحی، این آیه را بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل نمود: «أَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»؛ (۷۱) «امروز دین شما را کامل نمودم و نعمت را بر شما تمام کردم و دین اسلام را برای شما پسندیدم.» در این موقع پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «الله اکبر، بر اكمال دین و اتمام نعمت و خشنودی خدا به رسالت من و ولایت علی علیه السلام بعد از من.» جمعیت حاضر، از جمله بعضی از بزرگان حاضر که بعداً خلافت را از آن خود دانسته به امیرالمؤمنین، این گونه تهنیت گفتند: «مبارک باد! مبارک باد! بر تو ای پسر ابی طالب که مولای من و مولای هر مرد و زن مؤمن گشتی.» (۷۲) (۷۳) ابن عباس گفت: «به خدا سوگند، ولایت علی علیه السلام بر همه واجب گشت.» حسیان بن ثابت گفت: «یا رسول الله! اجازه فرما تا درباره علی علیه السلام اشعاری بسرایم» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «بگو با میمنت و برکت الهی.» در این هنگام، حسیان برخاست و چنین گفت: «ای گروه بزرگان قریش! در محضر پیامبر اسلام، اشعار و گفتار خود را درباره ولایت، که مسلم گشت بیان می‌نمایم.» و این گونه اشعار خود را سرود: ینادیهم یوم الغدیر نبیهم بخم فاسمع بالرسول منادیاً (۷۴) «ندا داد در روز غدیر خم پیامبرشان، پس به ندای رسول گوش فرا دهید.» تا آخر اشعار.

اجمالی از واقعه غدیر را که همه امت اسلامی، بر وقوع آن اتفاق دارند، بیان نمودیم. شایان ذکر است که در هیچ جای جهان، واقعه و داستانی به این نام و نشان و خصوصیات، ذکر نشده است.

### طرح غدیر در راستای انسجام اسلامی

برخی می‌گویند بحث از خلافت و امامت امام علی علیه السلام و اهل بیت عصمت و طهارت و سخن از غدیر خم بی فایده است و لذا نباید این گونه مسائل در این عصر و زمان مطرح شود. آنان می‌گویند: «بسیاری از اختلافات در عصر ما بی مورد و سالبه به انتفای موضوع است و باید بسیاری از مسائل را به دست فراموشی سپرد و در روش بحث و مناظره و طرح مسائل مورد اختلاف، تجدید نظر کرد». (۷۵) آنان می‌گویند: «ما نباید در این زمان نبش قبر کنیم و مسائل اختلافی مرده را زنده کنیم و آن را مطرح سازیم». (۷۶) و نیز می‌گویند: «... مسلمین نباید از اختلاف سران خود در چهارده قرن پیش سخن به میان آورند تا چه رسد به اختلافی که بعداً در میان آن‌ها پیدا شده است». (۷۷) در پاسخ آنها می‌گوییم: یکی از امتیازات ادیان این است که اگر هدفی عالی را برای انسان مشخص کرده، راه رسیدن به آن را نیز ترسیم می‌کنند و الگو و نمونه‌ای را نیز برای آن مشخص می‌نمایند تا با در نظر گرفتن سیره عملی او، و اقتدا و پیروی از او، انسان‌ها بهتر بتوانند به سر منزل مقصود برسند؛ زیرا طبق نظر روان‌شناسان و روان‌کاوان، با الگوی کامل، بهتر می‌توان انسان‌ها را به حق و حقیقت و هدف راهنمایی کرد. خداوند متعال، پیامبر اسلام را الگوی خوبی برای مسلمین معرفی کرده، می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»؛ (۷۸) «قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست». باید دانست که موقعیت‌ها و مواقعی بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پدید آمد که هرگز در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله پدید نیامده بود، تا آن حضرت صلی الله علیه و آله را در آن مواقف الگو قرار دهیم، از آن جمله اتفاقی بود که در عصر امام حسین علیه السلام پدید آمد، که شخصی به اسم اسلام ولی بر ضد اسلام به نام یزید، حاکم بر کشورهای اسلام شد، در این هنگامه چه کسی شایستگی الگو شدن را دارد؟ در آن وقت تنها کسی که بهترین الگو را تا روز قیامت به جامعه انسانی عرضه کرد امام حسین علیه السلام بود. این الگو برای جامعه شیعه و پیروان اهل بیت علیهم السلام است، که اهل سنت چنین الگویی ندارند. بحث از غدیر و خلافت بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اگر چه از جهتی تاریخی است، ولی همین تاریخ صدر اسلام است که انسان ساز است. بحث از غدیر بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله در حقیقت بحث از این موضوع است که امام باید قابلیت امامت داشته باشد و از جانب خداوند منصوب گردد. بحث از این که امام بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله چه کسی بوده، در حقیقت بحث از این است که چه کسی باید تا روز قیامت برای جامعه اسلامی، بلکه جامعه بشریت الگو باشد؛ آیا مثل علی علیه السلام الگو باشد که جامع همه صفات کمال است؛ در شجاعت، عدالت، سخاوت، عبادت، زهد، تقوا، فروتنی، و دیگر صفات که نظیر نداشت، یا اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله الگو باشد که به قول عبدالکریم خطیب، نویسنده مصری؛ هیچ موقفی در هیچ جنگی نداشته است؟ امت اسلامی احتیاج به الگوهای جامع در بین بزرگان صدر اسلام دارد، که بتوانند محرک آنان تا روز قیامت باشند. و مردم با خواندن مواقف و فضایل و کمالاتشان در راه آنان قرار گرفته، به حق و حقیقت نزدیک شوند. مگر نه این است که ماهاتما گاندی به عنوان الگو و نمونه ضد استعمار در شبه قاره هند مطرح است؟ مگر نه این است که دهقان فداکار به عنوان الگوی فداکاری و از خود گذشتگی در کتاب‌های کودکان مطرح می‌شود، تا از ابتدا کودکان با ترسیم موقعیت او در روح و روان و ذهنشان فداکار بار آیند. چرا امت اسلامی در خواب است در حالی که دشمنان اسلام و مسلمانان بر بلاد آنان غلبه و سیطره پیدا کرده و دین و منابع مادی آنان را به غارت می‌برد؟ مگر خداوند متعال در قرآن کریم نمی‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»؛ (۷۹) «و خداوند هرگز بر مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است.» مگر پیامبر صلی الله علیه و آله نفرموده است: «الإسلام يعلو ولا يُعلى عليه»؛ (۸۰) «اسلام بر هر دینی برتری دارد و هیچ دینی بر او علو و برتری ندارد.» چرا مسلمانان باید در

خدمت به استعمار، حتی بر ضدّ بلاد دیگر اسلامی سبقت گرفته و مسابقه دهند؟ چرا باید یک کشور اسلامی به خاطر خوش خدمتی به استعمار؛ به خاطر اشغال یکی از بلاد اسلامی به اشغالگر مدال افتخار عطا کند؟ چرا در خوابیم؟ چرا غافلیم؟ کدام کشوری می‌توانست هشت سال جنگ را که از سوی استکبار و استعمار تحمیل شده بود، از همان اوایل پیروزی انقلابش تحمل کند و در نهایت، سرفراز از جنگ بیرون آید؟ آیا غیر از داشتن الگوهای همچون حسین علیه السلام و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بود؟ آیا به غیر از داشتن الگویی همچون ابوالفضل العباس علیه السلام و زینب کبری علیها السلام بود؟ این ادعا از من نیست که یک نفر شیعی هستم، بلکه این ادعای افراد و شخصیت‌های بزرگ سیاسی و انقلابی برخی از کشورهای اسلامی است، که از بی تحرّکی امتشان رنج می‌برند. در قضیه فلسطین متأسفانه شاهد بوده و هستیم که برخی از کشورهای اسلامی از خود هیچ گونه تحرّکی نشان ندادند، حتی در سطح یک راهپیمایی، که در حقیقت به نفع خودشان بود؛ زیرا اسرائیل چشم طمع به تمام کشورهای اسلامی دوخته است، ولی گویا که هیچ اتفاقی برای ملت فلسطین که هم نوع و هم دین آنان است، نیفتاده است و آنان همانند پرنده‌ای که سر به زیر برف کرده و شکارچی را نمی‌بیند و می‌گوید دشمن وجود ندارد، مشغول عیش و نوش خود هستند، اما زهی غفلت که یک مرتبه دشمن بر بالای سر آنان آمده و همه را شکار کرده و نابود کند ولی ملت مسلمان شیعه دوازده امامی با پیروزی بر استکبار، به فکر تمام ملت‌های اسلامی است، و از فلسطین و افغانستان و چین و عراق گرفته تا بوسنی و سایر ملت‌های مسلمان در صدد یاری رساندن به آنان از هر طریق ممکن بر آمده است؛ اگر چه در این راه بهای سنگینی را پرداخته است. این‌ها نیست مگر آن که شیعه امامی الگوهای دارد که برای او درس‌هایی تا پایان تاریخ به یادگار گذاشته است. شیعه الگویی مثل علی علیه السلام دارد که معتقد است اگر به خاطر ربودن خلخال از پای زن یهودی در کشور اسلامی، انسان بمیرد جا دارد. شیعه الگویی دارد مثل حسین بن علی علیه السلام که می‌گوید: «نه ظلم کن به کسی نه به زیر ظلم برو». کسی که می‌گوید: «یهات منّا الذله». کسی که می‌گوید: «مرگ سرخ به از زندگی ننگین است». کسی که معتقد است به خاطر امر به معروف و نهی از منکر گاهی جان باید داد. بحث از غدیر در این زمان در حقیقت بحث از این الگوهاست. بحث از غدیر در حقیقت بحث از الگو در تمام زمینه‌هاست؛ در زمینه عبادت، نظام خانواده، وظایف فردی و اجتماعی، و... این الگوها هستند که آینده انسان را ترسیم کرده و رقم می‌زنند. فرزند خردسالی که از کودکی پرچم «یهات منّا الذله» را بر پیشانی می‌بندد و در مجالس امام حسین علیه السلام شرکت کرده، او را الگوی خود می‌بیند، هرگز در سنین بالاتر زیر بار ذلت نمی‌رود؛ همان‌گونه که مولایش حسین علیه السلام چنین بود. انسان الگو را نصب العین خود قرار می‌دهد، تا به او اقتدا کرده و به او نزدیک شود، نزدیکی به او همان، و نزدیک شدن به خدا همان، پس چه بهتر که در الگو، بهترین‌ها انتخاب شوند، آنانی که در طول عمر خود هرگز گناهی انجام نداده و هرگز خطا و اشتباهی از آنان سرنزده است. امام حقیقتی است که برای انسان حق را از باطل، نیک را از بد، مضر را از مفید تمیز می‌دهد. و با ارتباط به خطّ غدیر است که راه انسان از هر یک از دو طرف جدا می‌شود. اگر من پیرو حسین بن علی باشم هرگز دست بیعت به حاکم فاسق و فاجر نمی‌دهم، ولی اگر پیرو فردی مانند عبدالله بن عمر باشم، حاضر می‌شوم حتی با پای حجاج بن یوسف ثقفی آن خون‌خوار معروف تاریخ هم بیعت کنم، همان‌گونه که احمد بن حنبل با الگو قرار دادن عبدالله بن عمر، با متوکّل بیعت کرد. امامت است که معیارها و شعارها را مشخص می‌کند. پس بحث از «امامت» و «غدیر» بحثی تاریخی و بی‌ثمر و عقیم نیست، بحث روز است، بحثی است زنده که حیات جامعه اسلامی، بلکه جامعه بشری به آن وابسته است. غدیر امری است که با حقیقت و شالوده و روح انسانی ارتباط دارد. غدیر مسیر و آینده انسان را روشن می‌کند، غدیر مربوط به دنیا و آخرت انسان است، غدیر حقیقتی است که در جای جای زندگی انسان تأثیرگذار است. یکی از اندیشمندان می‌فرماید: «هرگاه دیده می‌شود که برخی از جوانان ساده لوح و احیاناً فریب خورده موضوع وحدت اسلامی را پیراهن عثمان کرده و کوشش‌های علمی حقیقت‌طلبان را به باد انتقاد می‌گیرند و می‌گویند: بحث درباره خلافت ابوبکر و علی علیه السلام و این که جانشینی از آن کدام بوده است از بحث‌های غیر مفید و بی‌ثمر می‌باشد...

دارندگان این اندیشه از نتایج درخشان این بحث غفلت ورزیده و لذا آن را یک نوع بحث غیر مهم و احیاناً بی فایده و یا خاری بر سر راه وحدت اسلامی اندیشیده‌اند، ولی ما فکر می‌کنیم که این اندیشه جز غفلت از فلسفه امام‌شناسی ریشه دیگری ندارد و از یک نوع سنّی زدگی یا وهابی مآبی سرچشمه می‌گیرد...» (۸۱) ایشان نیز می‌فرماید: «... هر نوع بحثی که با واقع بینی خاصی، دور از تعصب‌های کور و کر، متکی بر مدارک اصیل اسلامی که مورد اتفاق طرفین است، انجام گیرد و افق‌های تاریک از عقاید اسلامی و حدیث و فقه را روشن سازد، نهایت آرمان اسلامی است که قرآن ما را به آن دعوت می‌کند. مگر قرآن ما را به تدبّر در آیات و بهره‌گیری از عقل و خرد دعوت نمی‌کند؟ گروهی که بحث در مسایل اختلافی را تحریم می‌کنند و نویسندگان این مسائل را عوامل اختلاف انداز و شکاف آفرین قلمداد می‌نمایند باید متوجه گردند که پیروی از چنین طرحی سبب می‌شود که قسمتی از آیات قرآن و احادیث پیامبر و بخش اعظم تاریخ اسلام به دست فراموشی سپرده شود، نه کسی آن‌ها را تفسیر کند، نه درباره آن بررسی به عمل آورد، و نه در بسیاری از حوادث اسلامی پرده‌ها بالا رود... خلاصه: از دو نظر باید مسائل عقیدتی که بنیاد فکری هر مذهبی را تشکیل می‌دهد مطرح گردند: ۱- اتحاد و وحدت فرع شناسایی قدر مشترک‌ها و موارد اختلاف است، و وحدت‌های کورکورانه بدون شناسایی چنین موارد، یک اتحاد سطحی بوده و دیری نمی‌پاید. ۲- از آن جا که به صحت و استواری مکتب خود عقیده مندیم، فرزندان ما باید با خصوصیات این مکتب آشنا گردند و آن را با دلیل و منطق فراگیرند و از تقلید در عقائد بپرهیزند، در این صورت برای فراگرفتن این افراد هم که باشد باید مسائل مورد اختلاف را طرح و بررسی کنیم و مکتب خود را به اخلاف و جانشینان خود بیاموزیم و گرنه مکتب به دست فراموشی سپرده می‌شود و جز نام بی‌مسئامی از آن باقی نمی‌ماند. هر نوع بحث به گونه یاد شده نه تنها زیانبخش و اختلاف آفرین نخواهد بود، بلکه گاهی در راه وحدت اسلامی و یکپارچگی جامعه مسلمانان محسوب خواهد شد...» (۸۲) آیت الله شهید مطهری قدس سره درباره وحدت حقیقی در سایه بحث از مبانی تشیع درباره کتاب «الغدیر» می‌فرماید: «نقش مثبت (الغدیر) در وحدت اسلامی از این نظر است که اولاً: منطق مستدل شیعه را مشخص می‌کند و ثابت می‌کند که گرایش در حدود صد میلیون مسلمان به تشیع - برخلاف تبلیغات زهر آگین عده‌ای - مولود جریان‌های سیاسی یا نژادی و غیره نبوده است، بلکه یک منطق قوی متکی بر قرآن و سنت موجب این گرایش شده است. ثانیاً: ثابت می‌کند که پاره‌ای اتهامات به شیعه - که سبب فاصله گرفتن مسلمانان دیگر از شیعه شده است - از قبیل این که شیعه، غیر مسلمان را بر مسلمان غیر شیعه ترجیح می‌دهد و از شکست مسلمانان غیر شیعه از غیر مسلمانان شادمان می‌گردد، از قبیل این که شیعه به جای حج به زیارت ائمه می‌رود، یا در نماز چنین می‌کند، و در ازدواج موقت چنان، به کلی بی‌اساس و دروغ است. ثالثاً: شخص شخصیت امیرالمؤمنین علیه السلام را که مظلوم‌ترین و مجهول‌ترین شخصیت بزرگ اسلامی است و می‌تواند مقتدای عموم مسلمین واقع شود و همچنین ذریه اطهارش را به جهان اسلام معرفی می‌کند.» (۸۳)

## غدير از دیدگاه برخی از اهل سنت

### توضیح

برخی از علمای اهل سنت تا حدودی انصاف به خرج داده و دلالت حدیث را بر امامت و سرپرستی حضرت امیرعلیه السلام قبول کرده‌اند، گرچه از طرفی دیگر در صدد توجیه آن بر می‌آیند. اینک به اسامی برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

### ۱ - محمد بن محمد غزالی

او بعد از نقل حدیث غدير می‌گوید: «این، تسلیم و رضایت و تحکیم است. ولی بعد از این واقعه هوا و هوس به جهت حبّ ریاست

و به دست گرفتن عمود خلافت و ... بر آنان غلبه کرد... و لذا به اختلافات دامن زده دستورات اسلام را به پشت سر خود انداختند و با پول اندکی آن را معامله کردند، پس چه بد معامله‌ای انجام دادند». (۸۴) همین مطلب را سبط بن جوزی از غزالی نقل کرده است. (۸۵)

## ۲ - محمد بن طلحه شافعی

او می‌گوید: «... و لیعلم ان هذا الحديث هو من اسرار قوله تعالى في آية المباهلة «فَقُلْ تَعَالَوْا...» والمراد نفس عليّ ماتقدم؛ فانّ الله جلّ وعلا- لما قرن بين نفس رسول الله صلى الله عليه وآله وبين نفس عليّ وجمعهما بضمير مضاف الى رسول الله صلى الله عليه وآله اثبت رسول الله صلى الله عليه وآله لنفس عليّ بهذا الحديث ما هو ثابت لنفسه على المؤمنين عموماً، فانه اولی بالمؤمنين وناصر المؤمنين وسيد المؤمنين. وكلّ معنى امکن اثباته ممّا دلّ عليه لفظ المولى لرسول الله صلى الله عليه وآله فقد جعله لعلی عليه السلام وهي مرتبه سامیه ومنزله شاهقه ودرجه عالیة ومكانة رفیعة، خصّه بها دون غيره، فلهذا صار ذلك اليوم عيد وموسم سرور لأولیائه؛ (۸۶) «... باید دانسته شود که این حدیث - حدیث غدیر - از اسرار قول خداوند متعال در آیه مباهله است؛ «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ». و مراد نفس، علی علیه السلام است آن گونه که گذشت؛ زیرا خداوند جلّ و علا چون مقارنت (کنار هم بودن) بین نفس رسول خدا و بین نفس علی علیه السلام انداخته و آن دو را با هم یکی دانسته، لذا رسول خدا صلی الله علیه وآله در این حدیث هر آنچه برای خودش نسبت به مؤمنین ثابت است برای حضرت علی علیه السلام نیز ثابت کرده است. پیامبر صلی الله علیه وآله سزاوارتر به مؤمنین و ناصر و آقای مؤمنین است. هر معنایی که برای رسول خدا اثباتش ممکن است و لفظ «مولى» بر آن دلالت دارد، همان معنا برای حضرت علی علیه السلام ثابت است. و این مرتبه‌ای است عالی و درجه‌ای است بس بزرگ که پیامبر صلی الله علیه وآله تنها به حضرت علی علیه السلام اختصاص داده است. و به همین جهت است که روز غدیر خم، عید و موسم سرور اولیای خداست.»

## ۳ - سبط بن جوزی

او درباره حدیث غدیر می‌گوید: «معناه: من کنت اولی به من نفسه فعلی اولی به ...»؛ (۸۷)(۸۸) «معنای آن این است: «هر کس من اولی و سزاوارتر به او هستم پس علی علیه السلام سزاوارتر به اوست...».

## ۴ - محمد بن یوسف گنجی شافعی

او می‌گوید: «... لکن حدیث غدیر خم دالّ علی التولیه وهی الاستخلاف»؛ (۸۹) «... لکن حدیث غدیر خم دلالت بر تولیه و استخلاف دارد.»

## ۵ - سعیدالدین فرغانی

او در شرح یک بیت از ابن فارض که می‌گوید: «واوضح بالتأویل ما کان مشکلاً علیّ بعلم ناله بالوصیة می‌نویسد: «در این شعر به این مطلب اشاره شده که علی - کرم الله وجهه - کسی است که مشکلات کتاب و سنت را بیان و واضح خواهد کرد به توسط علمی که به او رسیده است؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه وآله او را وصی و قائم مقام خود قرار داد آن هنگام که فرمود: «من کنت مولاه فعلى مولاه». (۹۰)

## ۶- تقی‌الدین مقریزی

او از ابن زولاق نقل می‌کند: «و فی یوم ثمانیۃ عشر من ذی الحجّۃ سنۃ ۳۶۲- و هو یوم الغدیر - یجتمع خلق من اهل مصر والمغاربه و من تبعهم للدعاء، لانه یوم عید؛ لانّ رسول الله عهد إلى امیر المؤمنین علی بن ابی طالب فیہ واستخلفه...»؛ (۹۱) «در روز هجدهم ذی حجّه، سال ۳۶۳ ه. ق که روز غدیر خم است جماعتی از اهل مصر و مغرب زمین و متابعین آنها دور هم جمع می‌شوند و دعا می‌خوانند؛ زیرا آن روز عید است، به جهت آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن روز عهد کرد به امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و او را خلیفه خود قرار داد...».

## ۷- سعدالدین تفتازانی

او در دلالت حدیث غدیر می‌گوید: «(مولی) گاهی به معنای آزاد کننده و گاهی آزاد شده و هم قسم، همسایه، پسر عمو، یاور و سرپرست به کار می‌رود. خداوند متعال می‌فرماید: «مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمُ» یعنی اولی بکم. این معنا را ابو عبیده نقل کرده است. و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ایما امرأه أنکحت نفسها بغیر اذن مولاہ...»؛ «هر زنی که خودش را بدون اذن مولایش به نکاح در آورد...»، مولی در این حدیث به معنای اولی و سرپرست است. و مثل این معنا برای کلمه «مولی» در شعر بسیار است. و به طور کلی، استعمال کلمه «مولی» به معنای متولّی و مالک امر و اولی به تصرف، در کلام عرب شایع است و نیز از بسیاری از بزرگان اهل لغت نقل شده است. و مقصود آن است که کلمه «مولی» اسم برای این معناست، نه این که صفت باشد و به منزله اولی به تصرف، تا اعتراض گردد که این کلمه صیغه اسم تفضیل نیست، و به این معنا استعمال نمی‌شود. و سزاوار است که در حدیث غدیر از کلمه «مولی» همین معنا اراده شود، تا با صدر حدیث مطابقت پیدا کند. به جهت این که با پنج معنای اول مناسب ندارد، و این امری است ظاهر. و نیز با معنای ششم؛ یعنی «ناصر» سازگاری ندارد؛ زیرا معنا ندارد که پیامبر صلی الله علیه و آله مردم را در آن مکان برای ابلاغ این معنا جمع کرده باشد، این مطلب نیز واضح است...». او در آخر می‌گوید: «ولا خفاء فی انّ الولاية بالناس والتولی والمالکیۃ لتدبیر امرهم والتصرّف فیهم بمنزله النبیّ وهو معنی الامامۃ»؛ (۹۲) «مخفی نماند که ولایت بر مردم، و سرپرستی و مالکیت تدبیر امر مردم و تصرّف در شؤون آنان، همانند منزلت پیامبر صلی الله علیه و آله با معنای امامت سازگاری دارد.»

## برخی از شاعران غدیر از اهل سنت

### اشاره

در میان اهل سنت شاعرانی وجود دارد که واقعه غدیر را به شعر در آورده‌اند از قبیل؛

## ۱- فریدالدین عطار نیشابوری (۵۱۳-۵۸۶ ق)

رونقی کان دین پیغمبر گرفت از امیر مؤمنان حیدر گرفت چون امیر نحل شیر فحل شد ز آهن او سنگ موم نحل شد میر نحل از دست و جان خویش بود ز آنکه علمش نوش و تیغش نیش بود گفت اگر در رویم آید صد سپاه کس نبیند پشت من در حربگاه لافتی الّا علیش از مصطفی است و ز خداوند جهانش هل اتی است از دو دستش لافتی آمد پدید و ز سه قرصش هل اتی آمد پدید آن سه قرص او چو بیرون شد به راه سرنگون آمد دو قرص مهر و ماه چون نبی موسی، علی هارون بود گر برادرشان نگویی چون بود او چون قلب آل یاسین آمدست قلب قرآن یا و سین، زین آمدست قلب قرآن، قلب پر قرآن اوست وال من والاه اندر شأن اوست (۹۳) و نیز عطار نیشابوری می‌گوید: گفت پیغمبر به یاران این سخن پیک ربّ العالمین آمد به من گفت حیدر را خدا این

تحفه داد بر همه خلق جهان فضلش نهاد گشت داخل از یقین زوج بتول در ولایت با خداوند و رسول حاکم و میر و ولی خلق شد در ولا با مصطفی هم دلق شد یک روایت خوب از من گوش کن جامی از ساقی کوثر نوش کن نقل دارم از ثقات با صفا آن که روزی حضرت خیر الوری چون که او برگشت از حج الوداع در غدیر خم مکان کرد، آن مطاع جبرئیل از حضرت عزت رسید نزل از حضرت به پیش او کشید پیش او از پیش حق آورد پیک آیه یا ایها بلغ الیک چون نبی فرمود منبر ساختند از جهاز اشترش افراختند رفت بر منبر رسول از پر دلی بود همراهش در آن منبر علی گفت با اصحاب پیغمبر تمام این کلام خوش ادا و با نظام با شما ای مردمان با وفا نیستم اولی تر از نفس شما؟ جمله گفتند از طریق مهتری تو به ما از نفس ما اولی تری گفت هر کس را منم مولای او پس علی مولای او باشد نکو حیدر از فرمان رب کائنات شد ولی بر مؤمنین و مؤمنات هر که را باشم امیر و پیشوا بعد من باشد امیرش مرتضی چون که بشناسید حیدر را مقام نعمت حق بر شما آمد تمام آورید ایمان به شاه اولیا حق شود راضی ز اسلام شما هر که دارد در دل خود مهر من مهر حیدر بایش در جان و تن چون شما را مهر او در دل شود آن زمان، دین شما کامل شود چون پیغمبر کرد این معنا ادا دست خود برداشت از بهر دعا گفت الهی دوستش را دوست گیر دشمنانش را بزن بر سینه تیر یا الهی دشمنش را خوار کن منزل آن دوزخی، در ناز کن هر که او را یار باشد یاربش هر که یارش نیست زو بیزار باش در ولایت چون علی را برگماشت دست او بگرفت و پیش خود بداشت گفت ای اصحاب من مقبل شوید در مبارکباد او یک دل شوید جملگی خوشحال گشتند آن زمان در مبارکباد بگشاده دهان پس عمر برخاست گفتا یا علی بر سرخلقان تو گردیدی ولی هم به قول این شه آخر زمان گشتی آخر تو امیر مؤمنان گفت بادت این مبارک بوالحسن که شدی مولای جمله مرد و زن چون عمر، بوبکر هم اقرار کرد روسیه شد هر که او انکار کرد هر که او اقرار کرد ایمان ببرد هر که کرد انکار او خود جان نبرد با ولی اقرار نمودن که چه؟ به طریق کافران بودن که چه؟ (۹۴)

## ۲ - سنایی غزنوی

نامش از نام یار مشتق بود هر کجا رفت همراهش حق بود مر نبی را وصی و هم داماد جان پیغمبر از جمالش شاد آل یاسین شرف به او دیده ایزد او را علم بگریده نایب مصطفی به روز غدیر کرده در شرع مر، ورا، به امیر بهر او گفته مصطفی به الاله کای خداوند وال من والاه هر که تن دشمن است و یزدان دوست داند الراسخون فی العلم اوست دل او عالم معانی بود لفظ او آب زندگانی بود تنگ از آن شد بر او جهان سترگ که جهان تنگ بود و مرد بزرگ (۹۵)

## ۳ - جلال الدین مولوی

زین سبب پیغمبر با اجتهاد نام خود و آن علی مولا نهاد گفت هر کس را منم مولا و دوست ابن عم من علی مولای اوست کیست مولا- آن که آزادات کند بند رقیت زیایت بر کند چون به آزادی نبوت هادی است مؤمنان را ز انبیا آزادی است ای گروه مؤمنان شادی کنید همچو سرو و سوسن آزادی کنید (۹۶) و در دیوان شمس تبریزی آمده است: تا صورت پیوند جهان بود علی بود تا نقش زمین بود و زمان بود علی بود شاهی که ولی بود و وصی بود، علی بود سلطان سخا و کرم وجود علی بود آن شیر دلاور که ز بهر طمع نفس در خوان جهان پنجه نیالود علی بود آن کاشف قرآن که خدا در همه قرآن کردش صفت عصمت و بستود علی بود آن عارف سجاد که خاک درش از قدر از کنگره عرض برافزود علی بود آن شاه سرافراز که اندر ره اسلام تا کار نشد راست نیاسود علی بود آن قلعه گشایی که در قلعه خیبر بر کند به یک حمله و بگشود علی بود چندان که در آفاق نظر کردم و دیدم از روی یقین در همه موجود علی بود این کفر نباشد سخن کفر نه این است تا هست علی باشد و تا بود علی بود سر دو جهان جمله ز پیدا و نهان شمس الحق تبریز که بنمود علی بود (۹۷)

## پیام‌های غدیر به جامعه اسلامی

بحث از غدیر خم و واقعه‌ای که در آن اتفاق افتاد که همان نصب امیرمؤمنان علیه السلام به امامت و جانشینی پیامبر است نه تنها در راستای وحدت امت اسلامی است بلکه دارای پیام‌ها و دستوراتی به مردم و مسؤولان است که می‌توان با عمل کردن به آنها جامعه‌ای ایده‌آل اسلامی به وجود آورد و به تعبیری دیگر می‌توان این واقعه عظیم اسلامی را از جنبه تاریخی خارج کرده و به سطح جامعه آورد و آن را کاربردی نمود. اینک به برخی از این پیام‌ها اشاره می‌کنیم؛ ۱- برای ابلاغ پیام‌های مهم سیاسی - دینی ضرورت دارد که از قبل زمینه‌سازی کرده و مردم را آگاهی داد. و لذا مشاهده می‌کنیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قبل از واقعه غدیر مردم را از مقصود خود آگاه کرده و در طول سال‌های قبل از آن در موقعیت‌های مختلف مردم را از ولایت امیرمؤمنان علیه السلام آگاه کرده بود. ۲- مسائل مهم سیاسی - دینی را قبل از ابلاغ، باید اعلام عمومی داد تا مردم آماده شنیدن پیام گشته و توجه آنان جذب مطلب شود. و لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قبل از ابلاغ ولایت امیرمؤمنان علیه السلام اعلان عمومی کرده و مردم را برای شنیدن پیامش آماده کرد. ۳- در صورت رسیدن وقت ابلاغ پیام، نباید تأخیر کرد، گرچه گروهی از مردم آمادگی نداشته باشند، و لذا گرچه بسیاری از مردم مدینه در سال حجة الوداع به جهت شیوع یک بیماری فراگیر مریض بودند ولی پیامبر صلی الله علیه و آله هرکسی را که سالم بود به حج دعوت کرد تا در آن مکان شاهد آن پیام مهم باشند. ۴- حاکمان و علمای اسلامی نباید از ابلاغ پیام‌های مهم خوف و ترس به خود راه دهند و تنها به خدا تکیه کنند، و لذا خداوند متعال به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ»؛ (۹۸) «ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای! خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می‌دارد». ۵- در صورتی که با اعلان پیام مهم مقابله شد در هر صورت نباید کوتاه آمد و در فرصت مناسب دیگر باید آن را ابلاغ نمود. و لذا گرچه پیامبر صلی الله علیه و آله در سرزمین عرفات قصد داشت به امامت حضرت علی علیه السلام و یازده فرزندش تصریح کند ولی بعد از مقابله با آن در فرصت مناسب دیگر یعنی در سرزمین غدیر خم پیام خود را به مردم رسانده و خبر ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام را ابلاغ نمود. ۶- هنگام ابلاغ پیام‌های مهم باید از راه کارهای عملی استفاده کرد، همان‌گونه که رسول گرامی اسلام هنگام ابلاغ ولایت حضرت امیرمؤمنان علیه السلام دست او را بلند کرده و در آخر نیز بر سر مبارک حضرت علیه السلام عمامه پیچید. ۷- در صورتی که پذیرش یک پیام برای برخی از مردم دشوار است باید با سخنان خود زمینه‌سازی کرده و مردم را برای پذیرش آن آماده نمود، همان‌گونه که رسول اسلام صلی الله علیه و آله قبل از ابلاغ ولایت حضرت علی علیه السلام در خطبه‌ای که ایراد فرمود از مردم درباره مسائل اعتقادی اقرار گرفته و خدا را نیز بر آن شاهد و گواه نمود و در آخر نیز از آنها بر امامت و ولایت خود از مردم اقرار گرفت که آیا من ولی و سرپرست و اولی به تصرف شما نیستم؟ و چون مردم به آن اقرار کردند حضرت فرمود: «پس هرکس که من مولای اویم این علی نیز مولای اوست». ۸- حاکمان اسلامی باید جانشینان و امامان بعد از خود را انتخاب کرده و به عنوان قائم مقام خود آنها را به جامعه معرفی نمایند، و این رسم بسیاری از دولت‌های امروز دنیا است. همان‌گونه که حضرت موسی علیه السلام از خداوند متعال درخواست نمود تا وزیر و جانشین خودش در زمان حیاتش را مشخص نماید آنجا که به خداوند عرض کرد: «وَاجْعَلْ لِي وَزِيْرًا مِّنْ اَهْلِي \* هَارُونَ اَخِي \* اَشْدُدْ بِهٖ اَزْرِي \* وَاَشْرِكْهُ فِيْ اَمْرِي \* كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيْرًا \* وَنَذْكُرَكَ كَثِيْرًا \* اِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيْرًا \* قَالَ قَدْ اُوْتِيْتَ سُوْلَكَ يَا مُوسٰى ؛ (۹۹) «و وزیري از خاندانم برای من قرار ده... برادرم هارون را! با او پشتم را محکم کن؛ و او را در کارم شریک ساز؛ تا تو را بسیار تسبیح گویم؛ و تو را بسیار یاد کنیم؛ چرا که تو همیشه از حال ما آگاه بوده‌ای! فرمود: ای موسی! آنچه را خواستی به تو داده شد»! و پیامبر اسلام نیز در ابتدای بعثت خطاب به قوم خود فرمود: «اَبْكُم يٰؤَاوِرُنِيْ عَلٰى هٰذَا الْاَمْرِ لِيَكُوْنَ اَخِيْ وَوَسِيِّيْ وَخَلِيْفَتِيْ



فیکم؟»؛ «کدام یک از شما وزیر و مددکار من در امر رسالت خواهد شد تا برادر و وصی و جانشین من در میان شما باشد؟». بعد از اعلام حضرت علی علیه السلام به آمادگی خود برای این ستمت، پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: «انّ هذا اخی و وصیتی و خلیفتی فیکم فاسمعوا و اطیعوا»؛ (۱۰۰) «همانا این - علی علیه السلام - برادر و وصی و جانشین من در میان شماست پس به حرف‌های او گوش فرا داده و دستورات او را اطاعت کنید». و چون در غزه‌ای به عملکرد حضرت علی علیه السلام، برخی از اصحاب اعتراض کردند پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «دعوا علیا، دعوا علیاً، انّ علیاً منّی و انا منه، وهو ولیّ کل مؤمن بعدی»؛ (۱۰۱) «علی را رها کنید، علی را رها کنید؛ همانا علی از من و من از اویم، و او سرپرست هر مؤمنی بعد از من است». یعنی هرگاه من در جایی نیستم او قائم مقام من بوده و حقّ تصرف دارد. و به همین جهت است که پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله در روز غدیر خم مردم را جمع کرده و جانشین خود را تا زنده بود به مردم ابلاغ نمود. ۹ - برای تحکیم پیام‌های مهم سیاسی - دینی باید دست به اقدام‌های پیاپی زده تا آن را به آخر رساند؛ و لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله قبل از وفاتش دستور داد تا وسایل نوشتن را فراهم کرده و آنچه را در غدیر خم در ملأ-عام فرموده بود مکتوب دارد، ولی برخی از نوشتن آن مانع شدند، و این مصیبت بزرگی بود که بر پیکره اسلام و مسلمین وارد شد که آثار آن تاکنون باقی است. ۱۰ - مسؤولان در مسایل مهم سیاسی کشور و آینده آن با تدابیری که می‌اندیشند باید کفار را از خود مایوس کنند؛ همان‌گونه که بعد از واقعه غدیر خم و تعیین جانشینی پیامبر صلی الله علیه وآله، کفار مایوس گشتند آن جا که قرآن کریم می‌فرماید: «الْیَوْمَ یَئِسَّ الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْ دِینِکُمْ»؛ (۱۰۲) «امروز، کافران از (زوال) آیین شما، مایوس شدند». ۱۱ - هنگام تعارض بین بیان حقّ مهم و موضوع وحدت، بیان حقّ مهم اولی و مقدم است همان‌گونه که رسول اسلام صلی الله علیه وآله با آن که می‌دانست بیان موضوع امامت و خلافت خود در روز غدیر خم باعث اختلاف در میان امتش خواهد شد ولی هیچ‌گاه این موضوع باعث نشد که پیامبر صلی الله علیه وآله دست از بیان حقّ مهم که همان مسأله ابلاغ ولایت امیر مؤمنان علیه السلام باشد دست بردارد، همان‌گونه که قبلاً در کلامی که از امام خمینی رحمه الله نقل کردیم به آن اشاره شد. ۱۲ - در مسائل مهم سیاسی - دینی زنان نیز باید مشارکت داده شوند، و لذا - بنابر نقلی - پیامبر صلی الله علیه وآله از زنان نیز درباره ولایت حضرت امیر علیه السلام عهد و پیمان و بیعت گرفت. ۱۳ - خبرهای مهم سیاسی - دینی را باید به سطح کل جامعه رساند، و لذا پیامبر صلی الله علیه وآله دستور داد تا حاضران به غایبان اطلاع دهند. ۱۴ - از آنجا که آیه «الْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِی وَ رَضِیْتُ لَکُمُ الْإِسْلَامَ دِیناً»؛ (۱۰۳) «امروز، کافران از (زوال) آیین شما، مایوس شدند؛ بنابر این، از آن‌ها نترسید! و از (مخالفت) من بترسید! امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم»، بعد از واقعه غدیر نازل شد به دست می‌آید که اسلامی مورد رضایت خداوند است که از کانال ولایت حضرت علی علیه السلام و اولاد معصومش معرفی شده باشد.

### پی نوشت ها

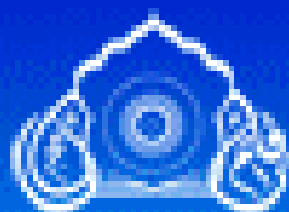
- ۱) انفال / ۶۳ (۲) آل عمران / ۱۰۳ (۳) اعراف / ۴۳ (۴) شوری / ۱۳ (۵) انعام / ۱۵۳ (۶) آل عمران / ۱۰۱ (۷) آل عمران / ۱۰۳ (۸) آل عمران / ۱۰۳ (۹) آل عمران / ۱۰۱ (۱۰) انعام / ۱۵۳ (۱۱) حمد / ۵ (۱۲) یس / ۶۱ (۱۳) فصلت / ۴۲ (۱۴) احزاب / ۳۳ (۱۵) مسند احمد، ج ۴، ص ۱۲۶ (۱۶) صحیح ترمذی، ج ۵، ص ۶۲۱ (۱۷) مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۴۹ (۱۸) مستدرک حاکم، ج ۲، ص ۳۴۳ (۱۹) فاسألوا اهل الذکر، ص ۲۲ (۲۰) همان، ص ۲۳ (۲۱) عنکبوت / ۱ - ۳ (۲۲) انعام / ۶۵ (۲۳) بقره / ۳۴ (۲۴) بقره / ۳۰ (۲۵) بقره / ۲۰۸ (۲۶) آل عمران / ۱۰۳ (۲۷) شوری / ۱۳ (۲۸) آل عمران / ۲۹ (۲۹) صحیح مسلم، کتاب الفتن و اشراط الساعة، ج ۴، ص ۲۲۱۶، ح ۲۸۹۰ (۳۱) تفسیر الکشف و البیان، ثعلبی، ذیل آیه (۳۲) آل عمران / ۱۰۳ (۳۳) همان / ۱۰۱ (۳۴) انعام / ۱۵۳ (۳۶) احتجاج طبرسی، ص ۳۶۴ (۳۷) هود / ۱۷ (۳۸) اعلی / ۱۹ (۳۹) بقره / ۱۲۴ (۴۰) نحل / ۸۹ (۴۱) نحل / ۴۴ (۴۲) صحیفه امام، ج

۲، ص ۲۲۸ (۴۳ جن / ۴۴ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۲۵، ح ۲۶۴۰ / ۴۵ طه / ۴۶.۹۲ / ۴۷ طه / ۴۷.۹۴) مائده / ۶۷. ۴۸ صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۲۸، امامت و انسان کامل از دیدگاه امام خمینی قدس سره، ص ۲۲۰ (۴۹ نساء / ۵۰. ۵۹) (۵۱ انفال / ۴۶. ۵۲) (۵۳ یونس / ۳۲. ۵۴) تاریخ بغداد، ج ۱۴، ص ۳۲۱، مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۲۳۶ و... (۵۵ هود / ۵۰. ۵۶) مستدرک حاکم، ج ۲، ص ۳۴۳ (۵۷ صحیح ترمذی، ج ۵، ص ۶۲۱) (۵۸ نهج البلاغه، خطبه ۱۶. ۵۹) (۶۰ نحل / ۴۴. ۶۱) (۶۲ بقره / ۱۵۹. ۶۳) آل عمران / ۱۰۵. ۶۴) نهج البلاغه، عبده، ج ۲، ص ۱۹. ۶۵) همان. ۶۶) همان، ج ۱، ص ۲۷۸. ۶۷) (۶۸ همان، ج ۲، ص ۵۵. ۶۹) طبقات ابن سعد، ج ۳، ص ۲۲۵؛ مقریزی، الامتاع، ص ۵۱۱؛ ارشاد الساری، ج ۶، ص ۳۲۹. ۷۰) سوره مائده، آیه ۶۷. ۷۱) سوره مائده، آیه ۶. ۷۲) المصنف، ابن ابی شیبه، ج ۱۲، ص ۷۸، ح ۱۲۱۶۷، مسند احمد، ج ۵، ص ۳۵۵، ح ۱۸۰۱۱. ۷۳) (۷۴ الغدیر، ج ۱، ص ۳۱-۳۶. ۷۵) پیام وحدت، ص ۳۰۵. ۷۶) کتاب وحدت، ص ۱۲۷. ۷۷) همان، ص ۱۴۴. ۷۸) سوره احزاب، آیه ۲۱. ۷۹) سوره نساء، آیه ۱۴۱. ۸۰) بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۴۴؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۱۶۶، ح ۲۴۶. ۸۱) رهبری امت، سبجانی، ص ۱۲ - ۱۴. ۸۲) پیشوایی از نظر اسلام، ص ۸ - ۱۶. ۸۳) شش مقاله، شهید مطهری، ص ۲۲۰. ۸۴) سّر العالمین، ص ۳۹ و ۴۰، طبع دار الآفاق العربیة، مصر. ۸۵) تذکره الخواص، ص ۶۲. ۸۶) مطالب السؤل، ص ۴۴ و ۴۵. ۸۷) تذکره الخواص، ص ۳۰-۳۴. ۸۸) (۸۹) کفایة الطالب، ص ۱۶۶ و ۱۶۷. ۹۰) شرح تائیه ابن فارض، فرغانی. ۹۱) المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار، ج ۲، ص ۲۲۰. ۹۲) شرح مقاصد، ج ۲، ص ۲۹۰. ۹۳) مصیبت نامه، عطار نیشابوری، ص ۳۴. ۹۴) مظهر العجائب و مظهر الاسرار، عطار نیشابوری، ص ۲۶ - ۲۸، چاپ چهارم. ۹۵) حدیقه الحقیقه، سنایی عزنوی، ص ۲۴۵. ۹۶) مثنوی معنوی، دفتر ششم، ج ۳، ص ۵۳۵. ۹۷) دیوان شمس تبریزی، ص ۱۷۴. ۹۸) سوره مائده، آیه ۶۷. ۹۹) سوره طه، آیات ۳۰ تا ۳۶. ۱۰۰) تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۲۰. ۱۰۱) مسند احمد، ج ۴، ص ۴۳۸. ۱۰۲) سوره مائده، آیه ۳. ۱۰۳) سوره مائده: آیه ۳.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت عليهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن

همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت‌های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده‌ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صد‌ها نرم‌افزار تحقیقاتی و کتابخانه‌ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه‌های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه‌ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم‌افزارهای تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه‌های ماهواره‌ای و راه‌اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ‌گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم‌های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با ده‌ها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش‌ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت‌کننده در جلسه ی) برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه عموم و دوره‌های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/حد فاصل خیابان پنج‌مضان و چهارراه و فائی /مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب‌سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی: [www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com) تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده‌ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح‌های توسعه‌ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: ۵۳-۵۳۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۱۹۰ IR به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در گرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

# گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

**۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹**

